

Structural Evolutions of Rural Demographic Identity of Markazi Province from 1996 to 2011

Siamak Zabihi¹, Seyed Jamal Farajollah Hosseini^{2*}, Seyed Mehdi Mirdamadi³

¹ PhD Candidate, Department of Economic, Agricultural Extension and Education, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

² Associate Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

³ Associate Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

The formation of rural areas as the initial cores of civilization and activity can be attributed to environmental factors, but the continuity of the economic and social life of villages has faced major challenges over time as a result of the widespread and accelerated transformation of the effects of modernity and unbalanced development planning. Demographic disorders and rural work-force structure, followed by a decline in economic functions, especially in relation to agriculture, are the main identity challenges for the communities and rural areas. The present study investigates the evolution of rural identity in Markazi province with emphasis on demographic structures through using statistical evaluations and modeling. The statistical population consists of all villages with more than twenty households in the two censuses of 1996 and 2011. By extracting all of the same population variables in two time intervals, several demographic indicators for each of these intervals were defined and calculated. After statistical descriptions and evaluation of distribution indices, the modeling of the demographic identity of rural areas of the province in two intervals was done using structural equation based on self-propelled approach. The household dimension, youth level (Wertheim Index), aging rate, kinship ratio, literacy and occupation rate constitute the common indices in both final and valid structural models of both intervals. The comparison of the statistical description and indices pattern coefficient in the structures and variables indicate that the household dimension, youth level of population and literacy rate are important determinants of the demographic characteristics of rural areas in Markazi province in both intervals. In contrast, the aged population at both intervals and much greater in 2011 threatened the structure and the demographic identity. The kinship rate in 1996, with a moderate and rational status had a positive contribution in the population structure of the villages of the province, but in 2011, it has an opposite role and influence.

Key words: Rurality, Rural Areas, Demographic Identity, Markazi Province.



جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی
سال ۳۰، پیاپی ۷۳، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸، صص ۲۲-۱
نوع مقاله: پژوهشی
وصول: ۱۳۹۸/۰۲/۰۸ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۰۱

تحولات ساختاری هویت دموگرافیک مناطق روستایی استان مرکزی از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰

سیامک ذبیحی، دانشجوی دکتری گروه اقتصاد، ترویج و آموزش کشاورزی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
سید جمال فرج‌الله حسینی*، دانشیار گروه اقتصاد، ترویج و آموزش کشاورزی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
سید مهدی میردامادی، دانشیار گروه اقتصاد، ترویج و آموزش کشاورزی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

شکل‌گیری روستاها، نخستین هسته‌های مدنیت و فعالیت، به عوامل محیطی مرتبط است؛ اما تداوم حیات اقتصادی و اجتماعی آنها در گذر زمان در نتیجه تحولات گسترده و پرشتاب پیامد مدرنیته و برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای نامتوازن با چالش‌های اساسی مواجه شده است. نابسامانی‌های جمعیتی و ساختار نیروی انسانی روستاها و در پی آن افول کارکردهای اقتصادی به‌ویژه در زمینه کشاورزی، عمده‌ترین چالش‌های هویتی جوامع و مناطق روستایی به شمار می‌آید. پژوهش حاضر به تحولات هویت روستایی استان مرکزی با تأکید بر ساختارهای جمعیتی با استفاده از ارزیابی‌ها و مدل‌سازی‌های آماری توجه داشته است. برای این منظور تمامی روستاهای دارای بیش از ۲۰ خانوار استان در دو سرشماری ۱۳۷۵ و ۱۳۹۰ مطالعه شدند و با استخراج همه متغیرهای جمعیتی مشابه در دو مقطع، شاخص‌های دموگرافیکی متعددی برای هر کدام از این مقاطع تعریف و محاسبه شد. پس از توصیف آماری و ارزیابی توزیع شاخص‌ها، مدل‌سازی هویت دموگرافیک مناطق روستایی استان در دو مقطع با روش معادله‌یابی ساختاری و مبتنی بر رویکرد خودگردان‌سازی انجام شد. بعد خانوار، میزان جوانی (شاخص ورتهایم)، میزان سالخوردگی، نسبت بستگی، میزان باسوادی و اشتغال، شاخص‌هایی مشترک در مدل‌های ساختاری نهایی و معتبر هر دو مقطع بوده‌اند. مقایسه آماره‌های توصیفی و همچنین ضرایب مسیر شاخص‌ها در برآورد ساختاری سازه‌های هویت دموگرافیک در مجموع نشان می‌دهد شاخص‌های بعد خانوار، جوانی جمعیت و میزان باسوادی، تعیین‌کننده‌هایی مؤثر در هویت دموگرافیک مناطق روستایی استان مرکزی در هر دو مقطع بوده‌اند. در مقابل سالخوردگی جمعیت در هر دو مقطع و با شدتی به مراتب بیشتر در سال ۱۳۹۰، ساختار و هویت جمعیتی را تضعیف و تهدید کرده است. نسبت بستگی با وضعیتی متعادل و منطقی در سال ۱۳۷۵ نقش مثبت و مؤثری در ساختار جمعیتی روستاهای استان داشته است؛ ولی در سال ۱۳۹۰ با فاصله‌گرفتن از این وضعیت، نقش و تأثیری متضاد پیدا کرده است.

واژه‌های کلیدی: روستایی‌بودن، مناطق روستایی، هویت دموگرافیک، استان مرکزی.

مقدمه

با این چالش‌ها، بیش از هر چیز نیازمند نگاهی علمی و دقیق به ابعاد و مؤلفه‌های انسانی و محیطی «ساختار و هویت جوامع روستایی» است. مناطق روستایی تغییرات مداومی را در نتیجه سیاست‌های داخلی کشور و تحولات جهانی در ترکیب اجتماعی، فیزیکی و فضایی خود تجربه کرده‌اند. رویکرد بیشتر جامعه روستایی در مواجهه با این تغییرات به اشکال مختلفی همچون مهاجرت‌های روستا - شهری نمایان شده و مشکلات عدیده ملی و منطقه‌ای را برای هر دو جامعه شهری و روستایی به همراه داشته است.

پنگ و همکاران^۱ (۲۰۱۶) دریافتند مناطق روستایی انسجام و هویت گذشته خود را از دست داده‌اند و اکنون بسته به دوری یا نزدیکی به مناطق شهری به مکانی برای فعالیت‌های خدماتی، کشاورزی یا تولیدات صنعتی تبدیل یا کاملاً متروکه شده‌اند.

توره و والت^۲ (۲۰۱۶) معتقدند مطالعات مرتبط با هویت روستایی و عوامل تأثیرگذار بر آن پیچیده‌تر از گذشته و مستلزم بررسی و توجه خاص است. شکل‌گیری روستاها عموماً ناشی از عوامل محیطی است؛ اما در تخلیه و نابودی روستاها، هم عوامل محیطی و هم انسانی به مثابه دو مفهوم متفاوت ولی مرتبط با هویت روستایی و در قالب دو رهیافت سرزمینی و بخشی تأثیرگذار بوده است.

در بعد انسانی ارتباط متقابل دو بعد انسانی و محیطی به گونه‌ای است که بدون وجود جمعیت و نیروی کار کارآمد، امکانی برای کشاورزی و فعالیت‌های متنوع و گسترده آن وجود ندارد. براساس بررسی داده‌های سرشماری‌های عمومی نفوس و

امروزه تداوم حیات و کارکرد مناطق روستایی با فرایندهای جهانی‌شدن و غلبه فرهنگ و روحیه مدرنیته در همه ابعاد زندگی جوامع انسانی با چالش‌های جدی مواجه شده است (Guastella & Pareglio, 2016: 89). در کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه همچون ایران مدرن‌گرایی و شهرگرایی مفرط همراه با ضعف و ناکارآمدی ساختارها و بنیان‌های محیطی، اقتصادی و اجتماعی مناطق و جوامع روستایی و تغییرات همه‌جانبه‌ای که بر کلیت جامعه تأثیر گذاشته‌اند، با به‌حاشیه‌راندن این بخش از جوامع، چالش‌های بزرگی را پدید آورده است؛ چالش‌هایی که در نتیجه بروز و تأثیرگذاری آنها طی دهه‌های اخیر وضعیت و موقعیت روستاها و سکونتگاه‌های روستایی برای «سکنای جمعیت» و «انجام فعالیت» در مقایسه با جایگاهی که تا پیش از این دوران داشته‌اند، به کلی دگرگون و بی‌رونق شده است.

بررسی سیاست‌گذاری‌ها و اجرای برنامه‌های متعدد توسعه‌ای در چند دهه اخیر برای جوامع روستایی ایران نشان می‌دهد با وجود اهداف و تلاش‌های بسیار چندان در بهبود این نابسامانی‌ها موفق نبوده‌اند. علاوه بر مهاجرت‌های گسترده روستا-شهری، به شهر تبدیل شدن بسیاری از کارآمدترین سکونتگاه‌های روستایی در نتیجه تصمیم‌گیری نادرست برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران مسائل روستایی، شاهی بر این ادعاست که ساختارها، کارکردها، حیات اقتصادی و اجتماعی و به بیان روشن‌تر هویت روستاهای کشور نشانه رفته است. در نگاه نخست هرگونه برنامه‌ریزی و چاره‌جویی برای مواجهه منطقی

¹ Peng et al

² Andre Torre, Frederic Wallet

روستایی یکی از اولویت‌های توسعه روستایی باشد، می‌باید در برنامه‌های توسعه به صورت جدی‌تر به آن توجه شود و مهاجرفرستی استان‌های اشاره شده بهترین شاخص ناکارآمدی برنامه‌های توسعه روستایی در سطح ملی و منطقه‌ای بوده است (زنجانی، ۱۳۸۹: ۱۶).

براساس آنچه بیان شد و در دهه‌های اخیر همچنان شاهد گسترش بی‌توجهی به مؤلفه انسانی ساختار جوامع روستایی کشور و عقب‌ماندگی در این زمینه هستیم. بررسی نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۵) نشان می‌دهد استان مرکزی ۱۴۲۹۴۷۵ نفر جمعیت داشته است که از این تعداد، ۷۶/۹ درصد در نقاط شهری و ۲۳/۱ درصد در نقاط روستایی ساکن بوده‌اند. جدول (۱) تحولات جمعیت کل و جمعیت روستایی استان را از ۱۳۳۵-۱۳۹۵ نشان می‌دهد.

جدول ۱. تغییرات جمعیت استان مرکزی براساس نقاط روستایی؛ ۱۳۳۵-۱۳۹۰

سال	جمعیت کل	جمعیت روستایی	درصد روستائینی
۱۳۳۵	۶۰۰۴۵۵	۵۰۷۹۲۵	۸۴/۶
۱۳۴۵	۶۸۸۰۴۶	۵۶۳۲۰۸	۸۱/۹
۱۳۵۵	۷۸۶۲۹۱	۵۷۲۷۰۵	۷۷/۳
۱۳۶۵	۱۰۸۲۱۰۹	۶۰۵۹۸۲	۵۶
۱۳۷۵	۱۲۲۸۸۱۲	۵۲۷۲۶۵	۴۲/۹
۱۳۸۵	۱۳۵۱۲۵۷	۴۱۹۱۸۴	۳۱
۱۳۹۰	۱۴۱۳۹۵۹	۳۶۸۹۵۸	۲۶/۱
۱۳۹۵	۱۴۲۹۴۷۵	۳۲۹۶۹۰	۲۳/۱

منبع: درگاه ملی آمار ایران

جدول بالا نشان می‌دهد درصد روستائینی در استان مرکزی طی ۶۰ سال گذشته کاهش یافته با ۶۱/۵ درصد داشته است. درصد روستائینی این استان در سال ۱۳۹۵ با ۲۳/۱ درصد کمتر از متوسط میزان کشوری بوده است (درگاه ملی آمار ایران).

مسکن نسبت روستائینی در کشور از ۶۸/۶ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۲۶ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. ادامه این روند بدون توجه به هرگونه اقدام مؤثر برای رفع مشکلات جوامع روستایی باعث کاهش چشمگیر تعداد روستاهای کشور، ترک آنها و ادامه مهاجرت به شهرها و در نتیجه سالخوردگی بیشتر روستاها خواهد شد. آثار این سالخوردگی در بخش کشاورزی با توجه به نقش آن در اقتصاد کشور نگران‌کننده است. همچنین نتایج پژوهشی در سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهد این سالخوردگان در بخش کشاورزی به ترتیب بیش از ۴ و ۵ برابر سالخوردگان بخش‌های صنعت و خدمات بوده‌اند. از مهم‌ترین نتایج سالخوردگی در بخش کشاورزی، کاهش بهره‌وری و به خطر افتادن امنیت غذایی است (رمضانیان، ۱۳۸۰: ۲۲۱). گزارش‌های پروژه سالمندی روستایی بین‌المللی^۱ (IRAP) نیز حاکی است جمعیت دنیا در حال سالمند شدن است و حدود ۶۰ درصد جمعیت سالخورده دنیا در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. این گزارش نتیجه می‌گیرد سالمندی روستایی نادیده گرفته شده و اکنون زمان بررسی این مسائل است (Burholt & Dobbs, 2012: 433).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد در فاصله سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ متوسط میزان رشد سالیانه ناخالص جمعیت روستایی کشور به ۰/۴۴- درصد کاهش یافته است که به ترتیب استان‌های اصفهان و مرکزی بیشترین میزان رشد منفی را داشته‌اند؛ همچنین در همین فاصله زمانی استان‌های تهران، کرمان و بوشهر، بیشترین مهاجرپذیری و استان‌های همدان، زنجان و مرکزی، بیشترین مهاجرفرستی را داشته‌اند؛ از این رو اگر حفظ جوامع

¹ International Rural Ageing Project

بر این اساس مطالعه حاضر در پی آن است تحولات جمعیتی مناطق روستایی استان مرکزی را طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۹۰ در سطح همه روستاهای دارای بیش از ۲۰ خانوار و براساس آمارهای رسمی سرشماری‌های مرکز ایران با شاخص‌سازی‌های مناسب و استفاده از روش‌های پیشرفته آماری بررسی و تحلیل کند.

مبانی نظری پژوهش

پژوهش‌های متعددی مفهوم هویت روستایی را با عباراتی مانند «روستابودگی»، «روستایی‌گری» و «روستائیت» مطالعه کرده‌اند. حقیقت این است که مناطق روستایی انسجام گذشته‌شان را از دست داده‌اند و از این رو بررسی چالش‌های هویتی و ساختاری جوامع روستایی و تعیین چیستی و ابعاد هویت روستایی و شاخص‌ها و معیارهای آن به شناخت اساسی‌ترین مسئله در هویت روستایی کمک می‌کند که همان زوال و نابودی روستاهاست.

سکونت

شناخت چیستی سکونت و معنای آن از چالش‌های نظری در حوزه ارتباط بین انسان و محیط است. هرچند خاستگاه و غایت تلقی سنت و مدرنیته از مفهوم سکونت بسیار متفاوت است، اما همه انسان‌ها با هر نوع تلقی و با وجود اختلاف مراتب و روش در پی سکونت و آرامش راستین‌اند. از آنجا که خاستگاه سکونت اساساً مقوله‌ای درونی و متعلق به نفس یا ذهن انسانی است، تنها محیطی از جنس و متناسب با آن زمینه بیرونی را فراهم می‌کند.

از نظر طاهری (۱۳۹۲) سکونت از ریشه «سکن» به معنی «آرام و قرارگرفتن پس از حرکت (اضطراب)» آمده است. چنین می‌نماید که سکونت یا آرامش در انس و پیوند انسان با چیزی یا جایی معنا می‌یابد؛ به بیان دیگر سکونت انسان به معنای هر آن چیزی است که انسان و درحقیقت نفس او با آن آرامش می‌یابد.

ورود مفهوم سکونت به مرحله خودآگاه انسانی از نگاه راهب (۱۳۸۶) موجب می‌شود انسان به «ایجاد» فضای مصنوع دست بزند؛ یعنی پس از کشف ارزش‌های نهان در فضای طبیعی و تجربه کیفی فضا، ظهور این کیفیات در خودآگاه آدمی به شکل‌گیری فضای مصنوع منجر می‌شود. آنچه مسلم است اینکه درک و حس مفهوم سکونت در مرحله اول، مرحله‌ای کیفی است و این سرآغاز ورود به مرحله خودآگاهی محسوب می‌شود.

هویت

هویت مجموعه صفاتی است که فردی را از فرد دیگر، گروهی را از گروه دیگر یا شیئی را از شیئی دیگر متمایز می‌سازد. جوامع بشری هرچند همواره نوعی وفاق اجتماعی و انسجام کلی دارند، ولی افراد آن از نظر سنی، جنسی، شغلی، نژادی، قومی و مذهبی از یکدیگر متفاوت‌اند (شارون، ۱۳۷۹: ۵۵).

هویت از نگاه محرمی (۱۳۸۳) مجموعه‌ای از نشانه‌ها، آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی است که موجب شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه، اقلیتی از اقلیت دیگر یا فرهنگی از فرهنگ دیگر می‌شود؛ محتوا و مظهر این ظرف به مقتضای هر جامعه و ملت

افراد است که خود را با آن می‌شناسند و به دیگران معرفی می‌کنند.

روستا (سکونتگاه‌های روستایی)

از نگاه راهب (۱۳۸۶) کنکاش درباره مفهوم روستا در دو حوزه حقیقی و کاربردی امکان بررسی دارد. در نگاه حقیقی، روستا، مجتمعی زیستی و جلوه‌گاه بروز خارجی حیات اجتماعی انسان است؛ به بیان دیگر ظهور روستا هم‌ارز با شکل‌گیری سکونت و به دنبال آن شکل‌گیری مجتمع‌های زیستی است. از نظر او در سطح کاربردی، تعریف حقیقی روستا به دلیل ماهیت کل‌نگر و غیرکاربردی خود در حوزه علوم پاسخگو نیست و به ارائه تعاریفی مبتنی بر عینیات محسوس نیاز است که هر یک در جایگاه خود تعریفی درست محسوب می‌شود. علوم هم‌چون جغرافیا، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، معماری و کشاورزی برای برنامه‌ریزی‌های پژوهشی و کاربردی خود با تعاریف متفاوتی از روستا و تفکیک عرصه‌های مختلف سکونتگاه (آبادی) در قالب شهر و روستا مواجه بوده‌اند.

سعیدی (۱۳۷۹) به روستا به‌منزله مجتمعی زیستی و به بیانی سکونتگاهی انسانی می‌نگرد که با توجه به سطح فرهنگ و برخورداری از دانش فنی در نقاط مختلف جهان به صور گوناگون تجلی می‌یابد.

رضوانی (۱۳۸۸) نیز در تعریف دیگری از روستا بر پذیرش آن به‌مثابه یک کل مستقل تأکید می‌کند و روستا را واحدی اقتصادی، اجتماعی، جغرافیایی و مرکز تجمع از مردم یکجانشین می‌داند که بیشتر درآمد آنها با کشاورزی تأمین می‌شود و شرایط بالقوه خودکفایی را نیز در خود دارد.

متفاوت و بیان‌کننده نوعی وحدت، اتحاد، هم‌شکلی، تداوم، استمرار، یکپارچگی و نبود تفرقه است.

به نظر محمدی یگانه و همکاران (۱۳۹۴) هویت نخست حوزه‌هایی مانند فلسفه، منطق و روان‌شناسی را دربرمی‌گرفته، اما با توجه به تحولات علمی چند دهه اخیر، دامنه آن به محیط‌های انسان‌ساخت نیز کشیده شده است.

همچنین ریکس^۱ و استریکر^۲ (۲۰۱۳) هویت را احساس تعلق و وابستگی به یک مکان تعریف می‌کنند.

در مباحث حوزه روستایی دو نگاه عمده «مکانی» و «رفتاری» به این مفهوم وجود دارد؛ در پژوهش حاضر تأکید بر هویت مکانی است.

هویت مکانی

رامشت و همکاران (۱۳۹۵) هویت مکانی را همان خصیصه‌ای تعریف می‌کنند که با حافظه تاریخی طبیعی مکان‌ها در ارتباط است. امکان متصور شدن هویت بدون در نظر گرفتن زمینه و منشأ مکانی و اجتماعی آن وجود ندارد.

از نظر کاویانی راد و عزیزی کاوه (۱۳۹۰) هویت برآیند چگونگی تأمین نیازهای شخصی و جمعی در مکانی ویژه است. انسان، مهم‌ترین عامل معنادهنده به مکان است و از عوامل تأثیرگذار بر رفتار انسان در اماکن عمومی، ادراکی است که او از مکان دارد. همین تصاویر ذهنی است که به مکان هویت می‌دهد. بر این اساس مکان، سازنده بخشی از شخصیت و هویت

^۱ Rijnks

^۲ Strijker

هویت روستایی^۱

مفهوم «هویت روستایی» در این مطالعه ناظر بر واژه لاتین «روالیتی»^۲ (روستابودگی / روستایی‌بودن مکانی) و با صفت روستایی^۳ متفاوت است؛ بنابراین بیش از آنکه با افراد مرتبط باشد، درباره مناطق روستایی به کار می‌رود و تقریباً به این معناست که یک مکان چگونه و تا چه اندازه ساختار و کارکرد روستایی دارد.

هویت روستایی، مجموعه‌ای از مفاهیم جمعیتی، محیطی و فرهنگی مرتبط با مردم روستایی است و مناطق روستایی تحولات مداومی را در ترکیب اجتماعی، فیزیکی و فضایی خود تجربه می‌کنند (Paquette & Domon, 2003: 425).

پنگ و همکاران (۲۰۱۶) اشاره دارند مفاهیم اولیه هویت روستایی نخست بر نظریه‌های جامعه‌شناختی مبتنی بوده است تا تفاوت ذاتی بین جوامع شهری و روستایی را روشن کند؛ اما این نظریه دوگانگی شهری - روستایی خیلی زود در حمایت از مدل زنجیره شهر و روستا مردود شد.

رهیافت‌بخشی سازمان ملل (۲۰۰۷) نیز هویت روستایی را براساس فعالیت‌های اقتصادی غیرشهری تعریف می‌کند. این رهیافت بیشتر در کشورهای در حال توسعه کاربرد دارد که روستایی‌بودن منحصراً با کشاورزی، جنگل‌داری و ماهیگیری مرتبط است. مفهوم‌سازی دوم از هویت روستایی، مفهومی جغرافیایی (سرزمینی و فضایی) است. در این رهیافت ویژگی‌های جمعیتی مانند تراکم جمعیت جایگاه مهمی دارند.

ازنظر رضوانی و همکاران (۱۳۹۰) نیز هویت روستایی مفهومی است در ارتباط با پیوندهای شهر و روستا و تأثیرات متقابلی که این دو در عرصه فضای جغرافیایی سرزمین بر یکدیگر دارند. رواج شیوه معیشت و زندگی شهری در مناطق روستایی، چهره مناطق روستایی را دگرگون ساخته و ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی جدیدی را خلق کرده و باعث تنوع و گستردگی کارکردی در مناطق روستایی شده است.

از میان دو مؤلفه اشاره‌شده برای هویت، پژوهش حاضر فقط به مؤلفه ماهیت و ساختار توجه داشته که عموماً ناظر بر جمعیت و مؤلفه‌های آن است؛ بنابراین «هویت روستایی» به معنی «ماهیت و ساختار» و «کارکرد» روستایی‌داشتن مناطق روستایی است و چون فقط نخستین مؤلفه یعنی ماهیت و ساختار در پژوهش حاضر مطالعه شده، اصطلاح «هویت دموگرافیک» برای آن به کار رفته است. شناخت تحولات و تغییرات جمعیتی، ویژگی‌ها و ابعاد آن، اهمیت و جایگاهی کلیدی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دارد.

چنانکه اشاره شد بسیاری از متون در بحث درباره ویژگی‌های جمعیتی هویت روستایی بیشتر بر مفهوم و شاخص تراکم جمعیت تأکید دارند؛ در حالی که مؤلفه‌های جمعیتی مدنظر در این مطالعه بیشتر بر اندازه، ترکیب، ساختار سنی، میزان رشد و تحولات آنها در طول زمان متمرکز شده است.

درزمینه تراکم جمعیت به‌مثابه یکی از معیارهای هویت روستایی نظرات متفاوتی وجود دارد. یک ایراد استفاده از تراکم‌های جمعیت این است که آنها ارقام متوسط را نشان می‌دهند و ممکن است با وجود شهر کوچکی در یک منطقه روستایی تحریف شوند.

¹ Rural Identity

² Rurality

³ Rural

مناطق جغرافیایی را در یک منطقه یا کشور تعریف می‌کند و می‌بایست محیط‌های روستایی را براساس تعدادی از ویژگی‌ها تعریف کرد (Riola & Cantalejo, 2005: 247).

جهت‌گیری نظری مطالعه حاضر متوجه دوگانگی و تفاوت‌های شهری و روستایی مناطق نیست و هدف چگونگی متمایز شدن مناطق روستایی از شهری را دنبال نمی‌کند؛ همچنان که هوگارت^۱ (۱۹۸۸) نیز اشاره می‌کند، تفاوت‌های شهری - روستایی مبنای درستی برای بحث درباره هویت روستایی نیست؛ زیرا اجتماعات روستایی نقاط مشترک زیادی با اجتماعات شهری و البته با مبنای متفاوت شغلی دارند. در این راستا هاینس^۲ (۱۹۹۱) طبقه‌بندی اجتماعی - اقتصادی را معیاری برای تفکیک مناطق و شناخت هویت روستایی معرفی کرده است.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری و محدوده جغرافیایی شامل همه روستاهای دارای بیش از ۲۰ خانوار استان مرکزی براساس داده‌های دو سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۷۵ و ۱۳۹۰ و واحد تحلیل در این پژوهش، روستاست. پس از انتخاب و مطابقت روستاها در دو مقطع اشاره‌شده و حذف نقاط و مکان‌های سرشماری‌شده غیرروستایی شامل مراکز نظامی، شرکت‌ها، شهرک‌ها و واحدهای تولیدی و کارگاهی، نمونه آماری پژوهش مشتمل بر ۷۳۳ روستای دارای بیش از ۲۰ خانوار در هر دو مقطع، به شرح جدول (۲) به دست آمد.

درمقابل بعضی از مناطق داخلی شهر که تعداد زیادی از واحدهای تجاری را دارند، تراکم‌های جمعیتی کمی دارند. به هر دو شیوه تعریف هویت روستایی براساس تراکم جمعیت، اطلاعات کمی درباره ماهیت اجتماعات روستایی خواهد داشت و هویت روستایی درباره چیزی فراتر از تراکم جمعیت است (Rousseau, 1995: 2). به‌لحاظ سنتی نیز روستایی قلمداد شدن منطقه‌ای جغرافیایی با در نظر گرفتن تعداد ساکنان یا تراکم جمعیت آن صورت می‌گیرد؛ در حالی که این رهیافت با دو ایراد اساسی روبه‌روست؛ اول اینکه توصیف متغیر پیچیده‌ای مانند هویت روستایی با یک متغیر دشوار است و دوم اینکه تقلیل دادن این مفهوم به دوگانگی شهری/روستایی با وضع یک نقطه برش که جهانی هم نیست، معمولاً به توصیف دقیقی از واقعیت منجر نمی‌شود. اگر فقط تعداد ساکنان را معیاری برای تعریف منطقه روستایی در نظر بگیریم، به این معناست که زمینه اجتماعی پیرامون منطقه جغرافیایی را در نظر نگرفته‌ایم و هیچ ارزشی وجود ندارد که محیط روستایی را از شهری جدا کند.

مشکل دیگر این شاخص نیز به این واقعیت برمی‌گردد که بسیاری از ویژگی‌های هویت روستایی به‌هم‌پیوسته‌اند و برای نمونه مشکل است در منطقه‌ای با تراکم جمعیتی زیاد بتوان کشاورزی کرد. این موانع باعث شده‌اند این معرف را به‌تنهایی سنجۀ نادرستی برای مفهوم هویت روستایی بدانند.

افزون بر این مناطق روستایی فقط براساس تعداد جمعیت از مناطق شهری متمایز نمی‌شوند؛ بلکه متغیرهای فرهنگی، اجتماعی، بهداشتی و اقتصادی نیز این تفاوت‌ها را نشان می‌دهند. در نتیجه روستایی و شهری بودن، دو سوی متضاد یک پیوستار هستند که

¹ Hoggart

² Haynes

جدول ۲. توزیع جغرافیایی و تعداد روستاهای دارای بیش از ۲۰ خانوار (نمونه مطالعه: دهستان‌ها و شهرستان‌های استان)

شهرستان	تعداد دهستان	روستاهای مطالعه شده	شهرستان	تعداد دهستان	روستاهای مطالعه شده
آشتیان	۳	۲۶	دلیجان	۳	۲۰
اراک	۱۱	۸۵	زرنديه	۶	۴۴
تفرش	۴	۵۴	ساوه	۷	۸۶
خمین	۷	۹۹	شازند	۹	۱۵۲
خنداب	۵	۶۶	فراهان	۴	۵۰
کمیجان	۴	۳۸	محلات	۲	۱۳
جمع کل			۱۲	۶۵	۷۳۳

داده‌های استفاده شده به صورت دست دوم و برگرفته از نتایج تفصیلی دو سرشماری نفوس و مسکن

۱۳۷۵ و ۱۳۹۰ استان مرکزی در سطح روستاهای مطالعه شده بوده است. متغیرهای استفاده شده شامل بیشترین اقلام مرتبط معتبر در هر دو شناسنامه آبادی‌ها بوده است که به طور جداگانه، اما کاملاً مشترک و مشابه از سطح روستاهای مطالعه شده استخراج شده‌اند. ۹ متغیر اعتبارسنجی شده نهایی برای هر کدام از دو مقطع عبارت بوده‌اند از: «تعداد خانوار»، «جمعیت کل»، «جمعیت کمتر از ۱۴ سال»، «جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال»، «جمعیت بالای ۶۵ سال»، «جمعیت ۶ ساله و بیشتر»، «جمعیت باسواد»، «جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر» و «جمعیت شاغل». پردازش داده‌ها و شاخص‌سازی براساس متغیرهای نهایی به شرح جدول (۳) انجام شده است.

جدول ۳. شاخص‌های مقطعی و تحولی هویت دموگرافیک روستایی استان مرکزی در مقاطع ابتدا (۱۳۷۵) و انتهای (۱۳۹۰) دوره مطالعه شده

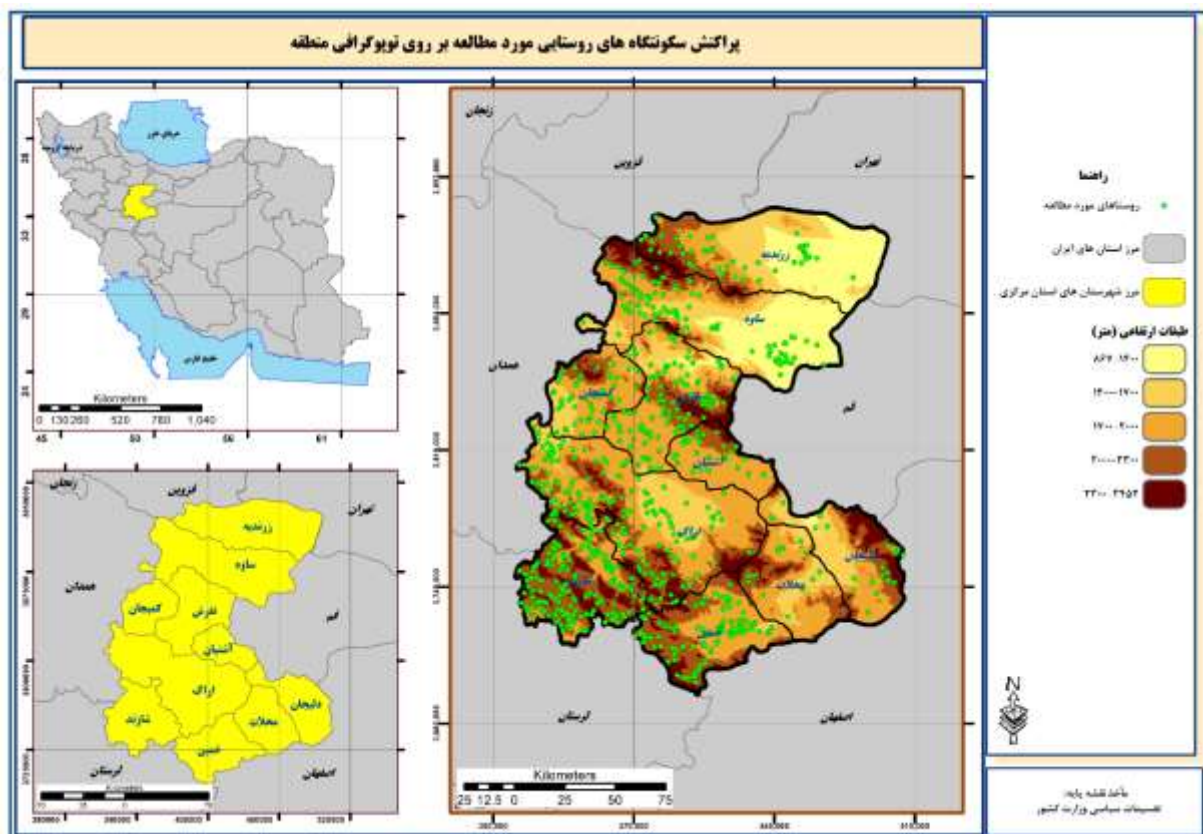
نام شاخص	شرح شاخص
بعد خانوار	تقسیم جمعیت کل بر تعداد خانوار
میزان جوانی (شاخص ورتھایم)	تعداد افراد ۱۵- سال به‌ازای هر ۱۰۰ نفر جمعیت
میزان سالخوردگی	تعداد سالخوردگان (۶۵+ سال) به‌ازای هر ۱۰۰ نفر جمعیت
نسبت سالخوردگی	تعداد سالخوردگان به‌ازای هر ۱۰۰ نفر جمعیت ۱۵- سال
نسبت بستگی	مجموع افراد ۱۵- و ۶۵+ سال به‌ازای هر ۱۰۰ نفر بین ۱۵ تا ۶۵ سال
بار تکفل خالص	تعداد افراد غیرشاغل به‌ازای هر ۱۰۰ نفر جمعیت شاغل
میزان باسوادی	تعداد باسوادان به‌ازای هر ۱۰۰ نفر جمعیت بالای ۶ سال (لازم‌التعلیم)
میزان اشتغال	تعداد شاغلان به‌ازای هر ۱۰۰ نفر جمعیت بالای ۱۰ سال (در سن فعالیت)
تغییرات بعد خانوار	تحولات شاخص‌ها در طول دوره
تغییرات میزان جوانی	
تغییرات میزان سالخوردگی	
تغییرات نسبت سالخوردگی	
تغییرات نسبت بستگی	
تغییرات بار تکفل خالص	
تغییرات میزان باسوادی	
تغییرات میزان اشتغال	
میزان رشد جمعیت	تفاضل شاخص‌های انتها (۱۳۹۰) و ابتدای (۱۳۷۵) دوره در هر روستا
	متوسط میزان رشد سالیانه در دوره مطالعه شده

محدوده پژوهش

استان مرکزی بخشی از فلات مرکزی ایران است که بین رشته‌کوه‌های البرز و زاگرس و در مجاورت کویر مرکزی قرار گرفته و با استان‌های تهران و قزوین در شمال، اصفهان و لرستان در جنوب، قم در شرق و همدان در غرب همجوار است.

براساس آخرین سرشماری مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، استان مرکزی به مرکزیت اراک ۱۲ شهرستان، ۲۳ بخش، ۳۳ شهر، ۶۶ دهستان و ۱۲۰۸ آبادی مسکونی دارد و از جمعیت ۱۴۲۹۴۷۵ نفری استان در این مقطع، ۱۰۹۹۷۶۴ نفر (۷۶/۹ درصد) در نقاط شهری و ۳۲۹۶۹۰ نفر (۲۳/۱ درصد) در مناطق

روستایی زندگی می‌کنند. استان مرکزی به لحاظ وضعیت جغرافیایی و اقلیمی و برخورداری از منابع آبی زیاد و خاک حاصلخیز، از جمله مناطق بسیار مهم کشور در زمینه تولیدات کشاورزی و دامی به حساب می‌آید. به طور تقریبی ۱۹ درصد مساحت استان را زمین‌های کشاورزی، ۵۷ درصد آن را مراتع و ۲۴ درصد را زمین‌های غیرزراعی از قبیل دریاچه‌ها، کویرها، جاده‌ها و شهرها تشکیل می‌دهند (سالنامه آماری استان مرکزی، ۱۳۹۴). شکل (۱) توپوگرافی، تقسیمات سرزمینی استان، پراکنش سکونتگاه‌های روستایی و روستاهای مطالعه‌شده را نشان می‌دهد.



شکل ۱. توپوگرافی و تقسیمات سرزمینی منطقه و روستاهای مطالعه‌شده

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی (توصیف و ارزیابی آماری شاخص‌ها)

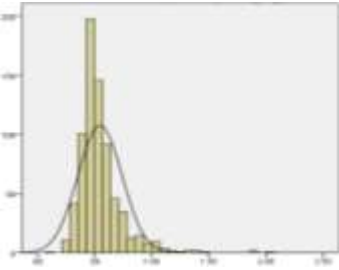
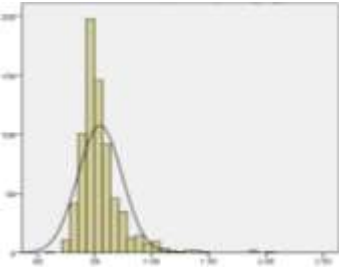
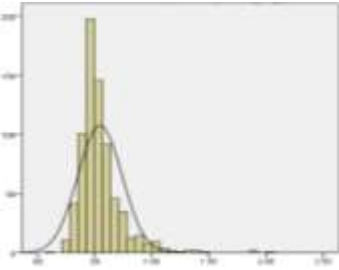
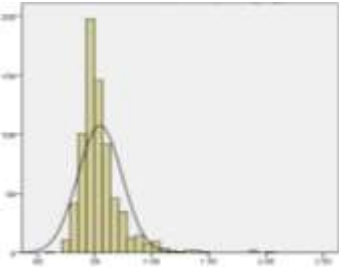
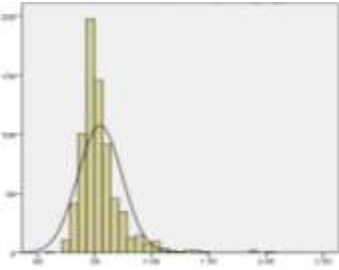
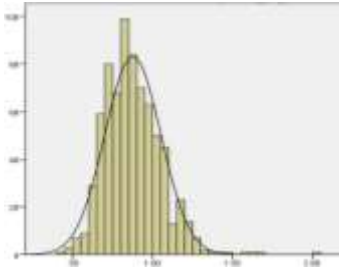
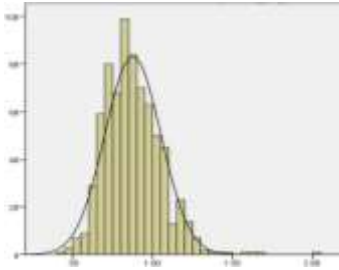
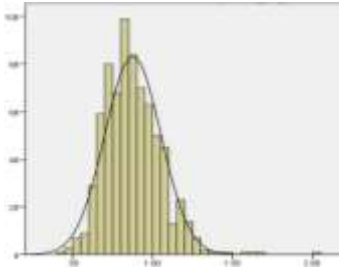
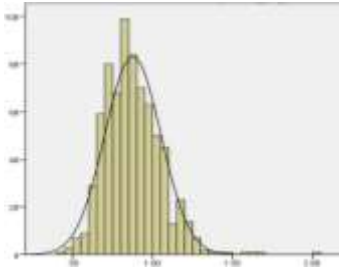
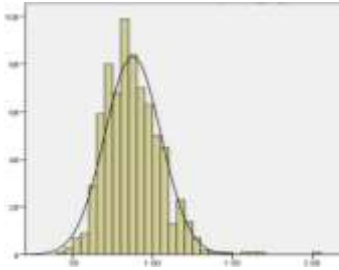
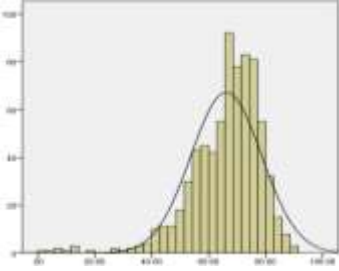
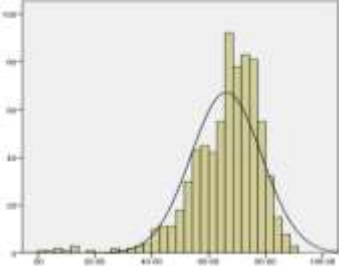
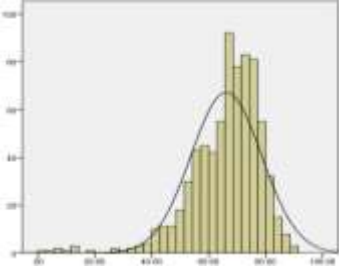
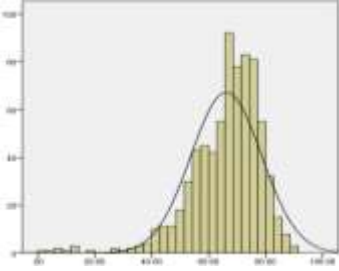
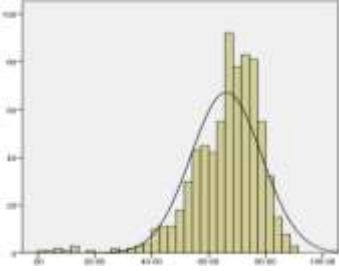
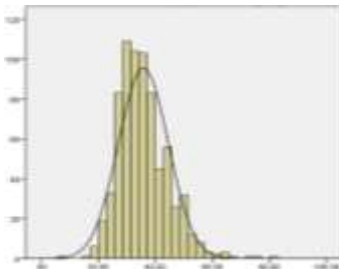
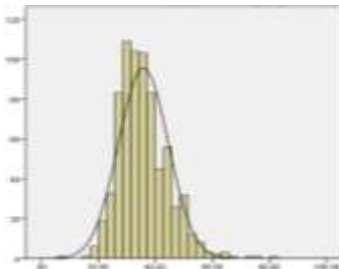
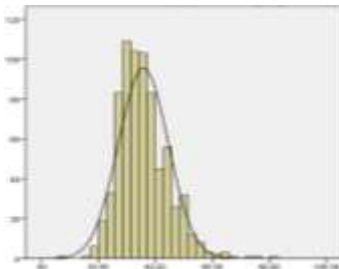
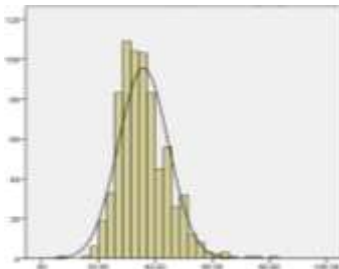
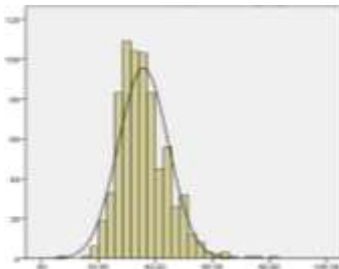
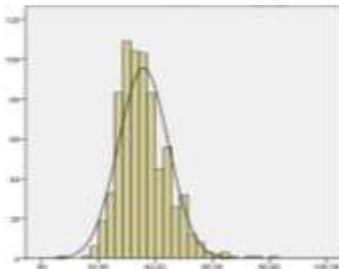
متغیرهای جمعیتی به‌ویژه در رابطه با مناطق روستایی، معمولاً توزیع‌های غیرنرمال دارند که تا اندازه زیادی طبیعی است. متغیرهای معرفی و استفاده‌شده در این مطالعه نیز همین وضعیت را

داشتند؛ ولی شاخص‌های حاصل از تقسیم چنین متغیرهایی به شرط نبود خطاهای نمونه‌گیری و اندازه‌گیری اینگونه نیستند. در ادامه به توصیف آماری مقایسه‌ای شاخص‌های محاسبه‌شده برای دو مقطع و ارزیابی توزیع آماری آنها به شرح جدول (۴) اقدام خواهیم کرد.

جدول ۴. توصیف و توزیع آماری شاخص‌های مقطعی هویت دموگرافیک روستایی استان مرکزی در مقاطع ۱۳۷۵ و ۱۳۹۰

شاخص	آماره‌های توصیفی		توزیع آماری	
	۱۳۷۵	۱۳۹۰	۱۳۷۵	۱۳۹۰
تعداد خانوار	کمینه	۲/۱۱	۱/۶۲	
	بیشینه	۷/۴۵	۱۰	
	میانگین	۴/۵۸	۳/۱۵	
	انحراف معیار	۰/۸۹	۰/۶۰	
	چولگی	-۰/۰۸	۲/۱۹	
میزان جوانی	کشیدگی	-۰/۱۲	۲۳/۵۰	
	کمینه	۷/۴۶	۰	
	بیشینه	۶۴/۸۱	۴۳/۲۹	
	میانگین	۳۶/۳۵	۱۷/۰۷	
	انحراف معیار	۸/۴۹	۶/۷۹	
میزان سالخوردگی	چولگی	-۰/۶۰	-۰/۰۴	
	کشیدگی	۰/۳۷	-۰/۰۵	
	کمینه	۰/۷۸	۲/۶۱	
	بیشینه	۴۳/۵۳	۶۵/۱۵	
	میانگین	۹/۸۹	۱۷/۴۹	
نسبت سالخوردگی	انحراف معیار	۶/۶۰	۱۰/۱۹	
	چولگی	۱/۸۸	۱/۲۴	
	کشیدگی	۴/۱۰	۱/۷۳	
	کمینه	۰/۰۲	۰	
	بیشینه	۵/۳۲	۵۷	
	میانگین	۰/۳۶	۱/۸۶	
	انحراف معیار	۰/۴۷	۳/۹۴	
	چولگی	۴/۶۶	۷/۸۳	
	کشیدگی	۳۰/۸۱	۸۱/۱۶	

جدول ۴ (ادامه)

شاخص و نسبت بستگی	آماره‌های توصیفی		توزیع آماری	
	۱۳۷۵	۱۳۹۰	۱۳۷۵	۱۳۹۰
نسبت بستگی	کمینه	۰/۴۳	۰/۰۹	
	بیشینه	۲/۰۳	۲/۰۶	
	میانگین	۰/۸۷	۰/۵۵	
	انحراف معیار	۰/۱۷	۰/۱۹	
	چولگی	۰/۹۳	۲/۶۷	
بار تکفل	کمینه	۰/۰۱	۰	
	بیشینه	۱۹/۲۷	۱۶/۲۹	
	میانگین	۲/۸۴	۲/۲۴	
	انحراف معیار	۱/۲۲	۱/۰۱	
	چولگی	۵/۶۶	۵/۴۱	
میزان پاسوادی	کمینه	۲۸/۵۷	۲/۰۸	
	بیشینه	۹۳/۵۵	۹۱/۳۲	
	میانگین	۶۵/۷۷	۶۶/۱۹	
	انحراف معیار	۸/۹۷	۱۲/۴۳	
	چولگی	-۰/۷۰	-۱/۵۳	
میزان اشتغال	کمینه	۷/۲۸	۰	
	بیشینه	۸۱/۲۵	۷۲/۸۴	
	میانگین	۳۵/۷۷	۳۶/۷۲	
	انحراف معیار	۸/۷۴	۷/۸۳	
	چولگی	۰/۹۱	-۰/۰۰۶	
کشیدگی	۱/۹۳	۲/۸۷		

گذاشته شد. متوسط بعد خانوار و درصد جمعیت جوان از ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ کمتر شده و در شاخص دوم به کمتر از نصف رسیده و در مقابل درصد جمعیت سالخورده و نسبت سالخوردگی به جوانی بیشتر شده است. هر دو شاخص جوانی و سالخوردگی جمعیت کمی نرمال‌تر شده‌اند. متوسط نسبت بستگی و بار

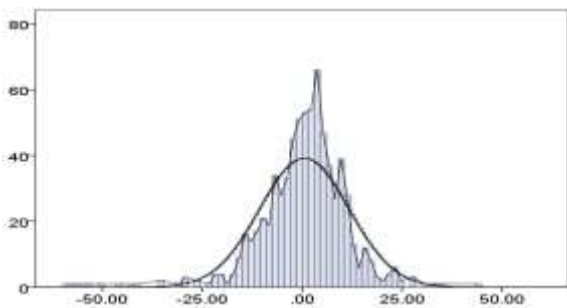
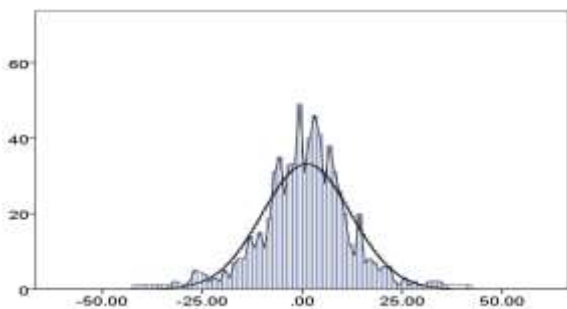
نتایج بالا نشان می‌دهد تقریباً همه شاخص‌های هر دو مقطع جز بعد خانوار توزیعی متفاوت با حالت نرمال دارند؛ ولی معناداری اختلاف از حالت نرمال برای دو شاخص بار تکفل و نسبت سالخوردگی بسیار شدید است. این دو شاخص با نرم‌افزار در همان ابتدا از فرایند تحلیل‌های ساختاری کنار

تکفل تقریباً یکسان است، ولی هر دو از حالت نرمال فاصله بیشتری گرفته‌اند. متوسط میزان باسوادی و اشتغال نیز چندان تغییری نکرده‌اند؛ در حالی که میزان اشتغال به توزیع نرمال‌تری سوق پیدا کرده و توزیع باسوادی از حالت نرمال کمی بیشتر فاصله گرفته است.

جدول ۵. توصیف و توزیع آماری شاخص‌های تحولی هویت دموگرافیک روستایی استان مرکزی

مؤشر	توصیف آماری	توزیع آماری
تغییرات بعد خانوار روستاها	کمینه	-۳/۵۲
	بیشینه	۴/۸۷
	میانگین	-۱/۴۲۷
	انحراف معیار	۰/۶۸۳۵
	چولگی	۱/۲۴
	کشیدگی	۱۲/۸۰
تغییرات میزان جوانی روستاها	کمینه	-۴۲/۷۲
	بیشینه	۱۱/۳۴
	میانگین	-۱۹/۲۸
	انحراف معیار	۷/۶۲
	چولگی	۰/۱۹
	کشیدگی	۰/۵۴
تغییرات میزان سالخوردگی روستاها	کمینه	-۱۵/۹۳
	بیشینه	۳۳/۰۴
	میانگین	۷/۶۰
	انحراف معیار	۶/۸۶
	چولگی	۰/۷۴
	کشیدگی	۱/۳۵
تغییرات نسبت بستگی روستاها	کمینه	-۱/۳۱
	بیشینه	۱/۰۵
	میانگین	-۰/۳۳
	انحراف معیار	۰/۲۷
	چولگی	۰/۷۱
	کشیدگی	۲/۳۹

جدول ۵ (ادامه)

توزیع آماری	توصیف آماری	تغییرات
	کمینه -۵۹/۲	تغییرات میزان باسوادی روستاها
	بیشینه ۴۴/۶۵	
	میانگین ۰/۴۲	
	انحراف معیار ۱۱/۱۹	
	چولگی -۱/۱۶	
	کشیدگی ۵/۶۶	
	کمینه -۴۱/۵۸	تغییرات میزان اشتغال روستاها
	بیشینه ۴۲/۱۷	
	میانگین ۰/۹۵	
	انحراف معیار ۱۱/۰۱	
	چولگی -۰/۱۵	
	کشیدگی ۱/۴۵	

اصلی (در اینجا، ۷۳۳ روستای مطالعه شده) به دفعات زیاد است. با استفاده از نتایج همه دفعات نمونه‌گیری، یک توزیع نمونه‌ای به‌مثابه مبنا برای انجام برآوردها به‌ویژه برآورد خطاهای معیار شاخص‌های مختلف حاصل می‌شود که برآورد خطاهای معیار حاصل دقت بیشتری درمقایسه با فقط یک‌بار نمونه‌گیری خواهد بود (قاسمی، ۱۳۸۹: ۲۷۷).

دفعات بازنمونه‌گیری در همه تحلیل‌های پیش رو با توجه به بزرگی حجم نمونه اصلی، ۱۰۰۰ بار بوده است. علاوه بر دقت بیشتر برآورد، مزیت و دلیل مهم‌تر استفاده از رویکرد خودگردان‌سازی در تحلیل‌های حاضر، به این نکته بسیار اساسی برمی‌گردد که استنباط آماری بر مبنای توزیع نمونه‌گیری به معنای معمول آن مستلزم و مبتنی بر فرض نرمال بودن توزیع متغیرهاست؛ در حالی که استنباط بر مبنای توزیع نمونه‌گیری خودگردان (بوت‌استرپ) فارغ از چنین

نتایج جداول بالا نیز نشان می‌دهد شاخص‌های تحولی هر دو مقطع جز بعد خانوار توزیعی تقریباً نرمال و چولگی به سمت چپ دارند؛ تغییرات شاخص‌های بعد خانوار، میزان جوانی روستاها و نسبت بستگی میانگین کاهشی داشته است؛ همچنین متوسط تغییرات شاخص‌های میزان باسوادی و اشتغال روستاها افزایش کم و درمقابل متوسط تغییرات سالخوردگی روستاها افزایش زیادی داشته است.

یافته‌های استنباطی (تحلیل‌های عاملی تأییدی و مدل‌سازی‌های معادله ساختاری)

مدل‌سازی‌های ساختاری ارائه شده با رویکرد خودگردان‌سازی^۱ صورت گرفته‌اند. این روش مبتنی بر انجام نمونه‌گیری با جای‌گذاری از نمونه‌ای مادر یا

^۱ Bootstrapping

چنانکه دیده می‌شود علاوه بر دو شاخص غیرنرمال بار تکفل و نسبت سالخوردگی، شاخص میزان اشتغال نیز به مدل دارای اعتبار نهایی راه نیافته است. با توجه به آنچه در جدول (۳) درباره نحوه شاخص‌سازی‌ها آمده، شایان توجه است محتوای اطلاعاتی این دو شاخص به نحو دیگری در دو شاخص دیگر نسبت بستگی و میزان سالخوردگی وجود دارند.

شاخص‌های برازش گزارش شده که معیارهایی برای تأیید مدل تدوین شده براساس داده‌های تجربی گردآوری شده‌اند، از هر سه گروه شاخص‌های برازش مطلق (CMIN یا کای اسکوئر و GFI: شاخص نیکوی برازش)، شاخص‌های برازش تطبیقی (NFI: شاخص نرمال شده بتلر - بونت) و شاخص‌های برازش (RMSEA: ریشه میانگین مربعات خطای برآورد) انتخاب شده‌اند. این شاخص‌ها مناسب‌ترین و پرکاربردترین از بین تعداد زیاد انواع شاخص‌های برازش به شمار می‌روند (پاینده نجف‌آبادی و امیدی نجف‌آبادی، ۱۳۹۲: ۳۵). در یک مدل ساختاری هرچه مقدار کای اسکوئر و درجه آزادی کوچک‌تر باشند، مدل مناسب‌تر است. در صورت اعتبار یک مدل، سطح معناداری آماره کای اسکوئر بیش از ۰/۰۵ است و مقادیر GFI و NFI به یک (با مقادیر معیار بیش از ۰/۹۵) و RMSEA به صفر (با مقدار معیار کمتر از ۰/۰۵) نزدیک خواهند بود. همان‌گونه که در شکل دیده می‌شود همه این شاخص‌ها اعتبار و برازش بسیار خوب مدل را با داده‌های گردآوری شده تأیید می‌کنند. از مهم‌ترین این شاخص‌ها، کای اسکوئر است که هرچه کوچک‌تر باشد، نشانه برازش بیشتر مدل با داده‌هاست. مبنای محاسبه این شاخص، تفاوتی است که بین ماتریس واریانس - کوواریانس نمونه‌ای حاصل از

محدودیتی است (قاسمی، ۱۳۸۹: ۲۶۸). توزیع فراوانی‌ها و نتایج آزمون نرمالیتی چندمتغیره درزمینه هر دو گروه شاخص‌های استفاده شده (بدون ذکر نتایج آماری) نشان‌دهنده برقرارنبودن این مفروضه و در نتیجه لزوم به‌کارگیری رویکرد خودگردان‌سازی در برآورد شاخص‌ها و استنباط‌های پیامد آنها بود.

مدل هویت دموگرافیک روستایی استان در سال ۱۳۷۵
 مقیاس اندازه‌گیری هویت جمعیتی روستایی استان در سال ۱۳۷۵ (ابتدای دوره مطالعه شده)، با به‌کارگیری مدل تحلیل عاملی تأییدی^۱ (CFA) هشت شاخص مربوط و استفاده از نرم‌افزار Amos Graphics انجام شد. برای تشخیص مناسب‌ترین مدل قابل تعریف^۲ ممکن برای معادله‌سازی متغیر پنهان هویت جمعیتی روستایی در سال ۱۳۷۵، ساختار حداکثری براساس همه هشت شاخص ترسیم و با به‌کارگیری ابزار جست‌وجوی دقیق^۳، حالت‌های ممکن شناسایی و بهترین آنها براساس شاخص‌های سنجش اعتبار مدل انتخاب شد. این ابزار با استفاده از شاخص‌های نیکویی برازش بهترین مدل را به داده‌های موجود برازش می‌دهد (پاینده نجف‌آبادی و امیدی نجف‌آبادی، ۱۳۹۲: ۱۹۵). شماتیک ارائه شده در شکل ۲، مدل اندازه‌گیری هویت جمعیتی روستایی سال ۱۳۷۵ را همراه با برآوردهای استاندارد ضرایب مسیر و انواع مختلف شاخص‌های سنجش اعتبار مدل براساس رویکرد خودگردان‌سازی با ۱۰۰۰ تکرار به صورت یکجا نشان می‌دهد.

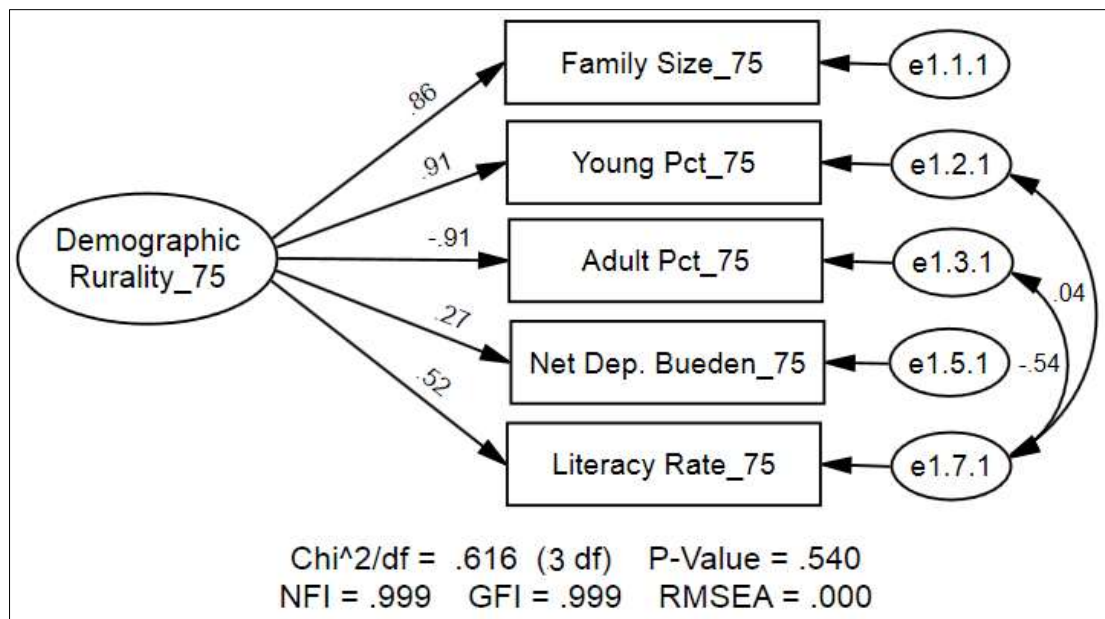
^۱ Confirmatory Factor Analysis

^۲ Identifiable

^۳ Specification Search

تدوین شده بر مبنای داده‌های گردآوری شده تلقی می‌شود. در نهایت علاوه بر ارائه ضرایب استاندارد مسیر روی شکل مدل، جدول (۶) نیز برآوردهای استاندارد و غیراستاندارد ضرایب مسیر رگرسیونی مدل را همراه با خطای استاندارد (SE) و سطح معناداری (P-value) آنها نشان می‌دهد.

متغیرهای دیده شده و ماتریس واریانس - کوواریانس بازتولید شده بر مبنای شاخص‌های برآورد شده در مدل تدوین شده وجود دارد (قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۳۵). بیشتر بودن سطوح معناداری مقادیر کای اسکوتر از ۰/۰۵، به معنی نبود تفاوت معنادار یا نزدیکی مقادیر این دو ماتریس است و نشانه‌ای از مطلوبیت و اعتبار مدل



شکل ۲. مدل اندازه‌گیری هویت جمعیتی روستایی سال ۱۳۷۵ همراه با برآوردهای استاندارد و شاخص‌های اعتبارسنجی آن

جدول ۶. برآوردهای رگرسیونی مؤلفه‌های مقیاس هویت جمعیتی روستایی استان در سال ۱۳۷۵

سطح معناداری	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	وزن رگرسیونی		مؤلفه‌ها و متغیرهای سنجش شده (معرف‌های دیده شده)
			استاندارد	غیراستاندارد	
			۰/۸۶	۱/۰۰	بعد خانوار
۰/۰۰	۰/۳۱	۳۲/۴۶	۰/۹۱	۱۰/۰۳	میزان جوانی جمعیت
۰/۰۰	۰/۲۴	-۳۲/۴۷	-۰/۹۱	-۷/۸۴	میزان سالخوردگی جمعیت
۰/۰۰	۰/۰۶	۷/۰۸	۰/۲۷	۰/۴۳	نسبت بستگی
۰/۰۰	۰/۴۵	۱۳/۵۵	۰/۵۲	۶/۰۳	میزان باسوادی جمعیت

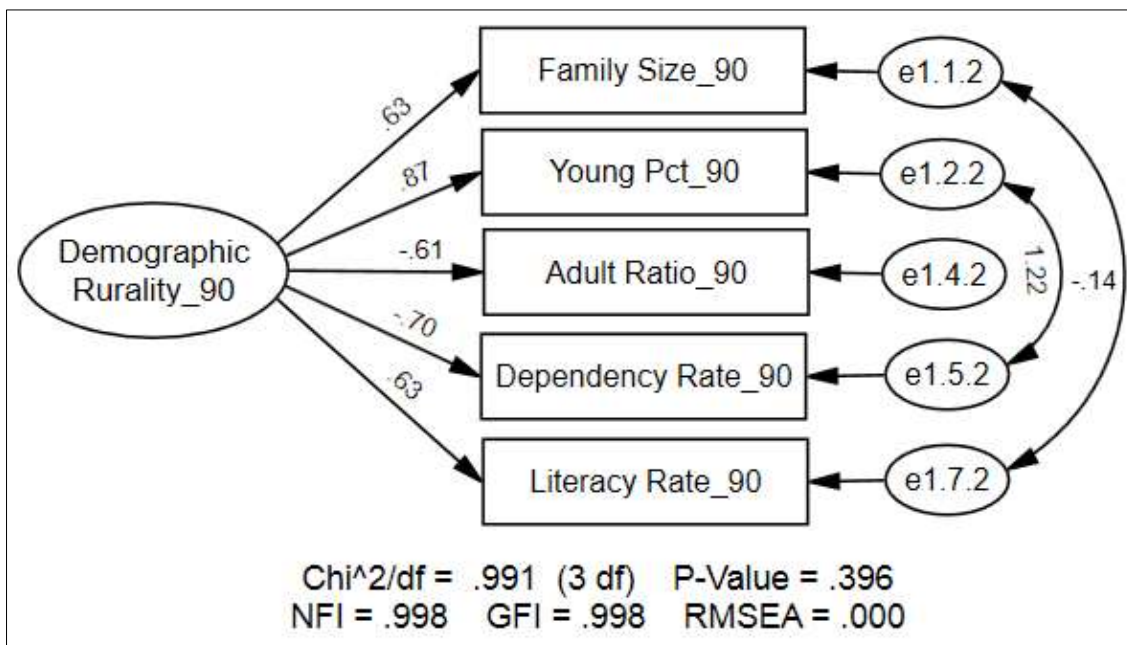
(یا معرف نشانگر) برای اندازه‌گیری مقیاس هویت جمعیتی روستایی در نظر گرفته شده تا بدون واحد اندازه‌گیری بودن آن برطرف شود (قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۸۳). معناداری ضریب این مسیر نیز با توجه به

جز میزان سالخوردگی، ضرایب رگرسیونی بقیه مؤلفه‌ها مثبت و همگی با سطوح معناداری بیش از ۹۹ درصد هستند. گزارش نشدن مقادیر مؤلفه بعد خانوار به این دلیل است که این متغیر به مثابه مرجع

مطالعه‌شده) نیز با به‌کارگیری مدل تحلیل عاملی تأییدی هشت شاخص مرتبط انجام شد. این بار هم تشخیص مناسب‌ترین مدل ممکن برای معادله‌سازی متغیر پنهان هویت جمعیتی روستایی، با ترسیم ساختار حداکثری براساس همه هشت شاخص و به‌کارگیری ابزار جست‌وجوی دقیق انجام و بهترین آنها براساس شاخص‌های سنجش اعتبار مدل انتخاب شد. شماتیک ارائه‌شده در شکل (۳)، مدل اندازه‌گیری هویت جمعیتی روستایی سال ۱۳۹۰ را همراه با برآوردهای استانداردهای ضرایب مسیر و انواع مختلف شاخص‌های سنجش اعتبار مدل براساس رویکرد خودگردان‌سازی با ۱۰۰۰ تکرار به‌صورت یکجا نشان می‌دهد.

مقدار استاندارد آن درمقایسه با ضرایب معنادار دیگر محرز است. طبیعی است که شاخص سالخوردگی با شاخص‌های جوانی، بعد خانوار و میزان باسوادی همسو نباشد، ولی بزرگی ضریب رگرسیونی آن بیان‌کننده تأثیر منفی شدیدی است که این شاخص بر ساختار جمعیتی روستاهای استان دارد. همچنین مثبت‌بودن ضریب مربوط به نسبت بستگی با توجه به نحوه ساختن این شاخص قابل فهم خواهد بود. صورت کسر این شاخص، مجموع جمعیت جوان (۱۴- سال) و جمعیت سالخورده (۶۵+ سال) است و همبستگی بیشتر بین حاصل این کسر با جمعیت زیر ۱۴ سال باعث همسویی ضرایب آنها شده است.

مدل هویت دموگرافیک روستایی استان در سال ۱۳۹۰
سنجش مقیاس اندازه‌گیری هویت جمعیتی
روستایی استان در سال ۱۳۹۰ (انتهای دوره)



شکل ۳. مدل اندازه‌گیری هویت جمعیتی روستایی سال ۱۳۹۰ همراه با برآوردهای استانداردهای شاخص‌های اعتبارسنجی آن

هر سه گروه شاخص‌های برازش و سنجش اعتبار مدل (کای اسکوئر با مقدار ناچیز ۰/۹۹، درجه آزادی ۳ و سطح معناداری ۰/۳۹، GFI و NFI هر دو با مقدار بسیار نزدیک به یک ۰/۹۹۸ و RMSEA با مقدار ایده‌آل صفر)، همگی اعتبار و برازش بسیار خوب مدل را با داده‌های گردآوری شده تأیید می‌کنند. در نهایت علاوه بر ارائه ضرایب استاندارد مسیر روی شکل مدل، جدول (۷) نیز برآوردهای استاندارد و غیراستاندارد ضرایب مسیر رگرسیونی مدل را همراه با خطای استاندارد و سطح معناداری آنها نشان می‌دهد.

چنانکه دیده می‌شود این بار نیز ترکیب شاخص‌ها در ساختار نهایی تقریباً مانند مدل پیشین برای سال ۱۳۷۵ است. حذف دو شاخص بار تکفل و میزان اشتغال همانند مدل ابتدای دوره است؛ ولی این بار شاخص کمتر غیرنرمال میزان سالخوردگی در ترکیب نهایی حضور ندارد و به جای آن شاخص به لحاظ محتوا نسبتاً مشابه و بیشتر غیرنرمال نسبت سالخوردگی که در مدل سال ۱۳۷۵ حضور نداشت، به مدل دارای اعتبار نهایی راه یافته است؛ دلیل آن، اجرای مدل با رویکرد خودگردان‌سازی و دفعات تکرار بسیار زیاد (۱۰۰۰ بار) است؛ بنابراین ساختار هویت دموگرافیک روستایی در هر دو مقطع به لحاظ ترکیب متغیرها تقریباً یکسان است.

جدول ۷. برآوردهای رگرسیونی مؤلفه‌های مقیاس هویت جمعیتی روستایی استان در سال ۱۳۹۰

سطح معناداری	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	وزن رگرسیونی		مؤلفه‌ها و متغیرهای سنجش شده (معرف‌های دیده شده)
			استاندارد	غیراستاندارد	
			۰/۶۳	۱/۰۰	بعد خانوار
۰/۰۰	۰/۹۸	۱۵/۸۲	۰/۸۷	۱۵/۵۳	میزان جوانی جمعیت
۰/۰۰	۰/۴۰	-۱۵/۷۰	-۰/۶۱	-۶/۳۵	نسبت سالخوردگی جمعیت
۰/۰۰	۰/۳۰	-۱۳/۶۰	-۰/۷۰	-۰/۳۶	نسبت بستگی
۰/۰۰	۱/۳۷	۱۵/۱۲	۰/۶۳	۲۰/۶۷	میزان باسوادی جمعیت

شاخص‌های نسبت بستگی و سالخوردگی جمعیت تضعیف شده است.

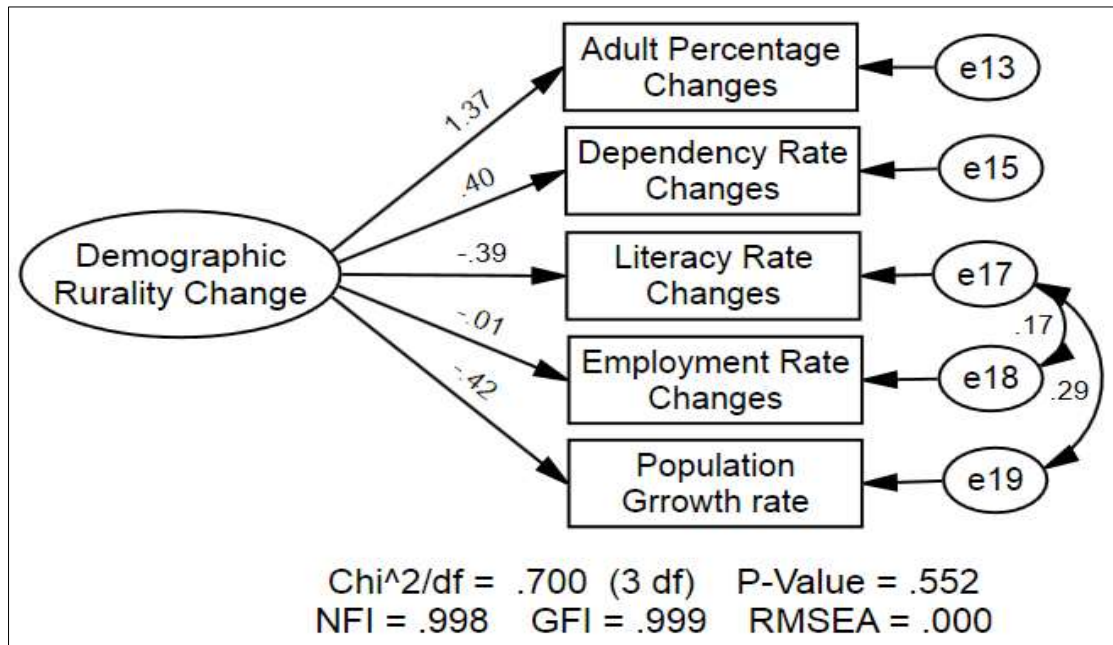
تحولات هویت جمعیتی روستایی استان از ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰

با ترسیم ساختار حداکثری براساس همه ۹ شاخص و به کارگیری ابزار جست‌وجوی دقیق، مناسب‌ترین ترکیب شاخص‌ها و معتبرترین مدل قابل تعریف برای معادله‌سازی متغیر پنهان تحولات طولی هویت جمعیتی

شاخص مرجع بعد خانوار و شاخص‌های ماهیتاً مثبت (هرچه بیشتر بهتر) میزان جوانی و باسوادی، ضرایب مسیر مثبت و شاخص‌های ماهیتاً منفی (هرچه کمتر بهتر) نسبت سالخوردگی و نسبت بستگی، ضرایب مسیر منفی داشته و همگی با سطوح معناداری بیش از ۹۹ درصد بوده‌اند؛ بنابراین هویت جمعیتی روستایی استان در مقطع زمانی ۱۳۹۰، چنانکه کاملاً طبیعی است، با شاخص‌های بعد خانوار، میزان جوانی و باسوادی جمعیت تقویت و با

صددردصدی برخوردار است. آماره‌های مرتبط و برآوردهای استاندارد ضرایب مسیر براساس رویکرد خودگردان‌سازی با ۱۰۰۰ تکرار به دست آمده‌اند.

روستایی از ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰، به شرح شکل (۴) به دست آمد. چنانچه شاخص‌های نیکویی برآزش نشان می‌دهند، مدل اندازه‌گیری حاصل از اعتبار تقریباً



شکل ۴. تحولات هویت جمعیتی روستایی از ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰

مستلزم توجه و دقت در دو دسته آماره است: مقدار، علامت و سطح معناداری برآوردهای استاندارد ضرایب مسیر مدل و میزان و علامت میانگین شاخص‌های مرتبط. برای این منظور میانگین شاخص‌ها نیز به جدول برآوردهای استاندارد و غیراستاندارد ضرایب، خطاهای استاندارد و سطوح معناداری آنها افزوده شد.

چنانکه دیده می‌شود، در ترکیب معتبر و نهایی مدل تحولات جمعیتی، شاخص‌های تغییرات میزان سالخوردگی، تغییرات نسبت بستگی، تغییرات میزان رشد، تغییرات میزان باسوادی و تغییرات میزان اشتغال حضور دارند. فهم چگونگی و سمت‌وسوی تحولات جمعیتی روستاهای استان طی ۱۵ سال بررسی شده،

جدول ۸. برآوردهای رگرسیونی مؤلفه‌های مقیاس تغییرات هویت جمعیتی روستایی استان از ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰

مؤلفه‌ها و متغیرهای سنجش شده (معرف‌های دیده شده)	میانگین	وزن رگرسیونی		نسبت بحرانی	خطای استاندارد	سطح معناداری
		استاندارد	غیراستاندارد			
تغییرات میزان سالخوردگی	+۷/۶۰	۱/۳۷	۱/۰۰			
تغییرات نسبت بستگی	-۰/۳۳	۰/۴۰	۰/۰۱	۵/۹۷	۰/۰۰	۰/۰۰
تغییرات میزان باسوادی	+۰/۴۲	-۰/۳۹	-۰/۴۶	-۲۳۸۶	۰/۰۷	۰/۰۰
تغییرات میزان اشتغال	+۰/۹۵	-۰/۰۱	-۰/۰۱	-۰/۴۸	۰/۰۳	۰/۶۳
تغییرات میزان رشد جمعیت	-۲/۳۱	-۰/۴۲	-۰/۱۱	-۶/۳۰	۰/۰۲	۰/۰۰

ورتهایم، میزان سالخوردگی، نسبت سالخوردگی، نسبت بستگی، بار تکفل خالص، میزان باسوادی و اشتغال، سنجه‌های این بررسی آماری برای هرکدام از دو مقطع مطالعه شده (۱۳۷۵ و ۱۳۹۰) بودند. به لحاظ مقیاس، سنجه‌های کمی (اندازه و حجم جمعیت) با واحد نفر و سنجه‌های کیفی (ترکیب و ساختمان جمعیت) برحسب درصد بیان شده‌اند.

توصیف آماری نشان‌دهنده آن است که متوسط بعد خانوار و درصد جمعیت جوان طی دوره مطالعه شده کمتر و در مقابل درصد جمعیت سالخورده و نسبت سالخوردگی به جوانی بیشتر شده است. کم‌وکیف هویت دموگرافیک یا همان ساختار جمعیتی مناطق روستایی استان مرکزی از ابتدا تا انتهای دوره مطالعه شده با شاخص‌های بعد خانوار، میزان جوانی جمعیت، نسبت بستگی و میزان باسوادی تقویت و به واسطه شاخص میزان سالخوردگی و همین‌طور نسبت بستگی جمعیت تضعیف شده است. به واسطه این ضعف ساختاری، کارکردهای آنها نیز به‌ویژه در زمینه کشاورزی و فعالیت‌های مرتبط با آن شدیداً آسیب دیده است. به این ترتیب اساسی‌ترین مسئله جوامع روستایی مطالعه شده در حال حاضر، زوال جمعیت و روند جمعیت‌گریزی است؛ به گونه‌ای که نابودی تدریجی را تجربه می‌کنند.

منابع

پاینده نجف‌آبادی، امیر تیمور، امید نجف‌آبادی، مریم، (۱۳۹۲)، تحلیل ساختاری تأییدی (تحلیل مسیر، تحلیل عاملی و تحلیل معادله‌یابی معادلات ساختاری به کمک نرم‌افزارهای Lisrel 8.72 و

دقت در ضرایب و میانگین‌ها بیان‌کننده آن است که از بین پنج شاخص سازنده مقیاس تحولات، تغییرات میزان سالخوردگی با ماهیت منفی و روند افزایشی و تغییرات میزان رشد جمعیت با ماهیت مثبت اما روند کاهشی، نقش اساسی داشته‌اند؛ بنابراین متأسفانه روند تغییرات و تحولات هویت جمعیتی یا ساختار جمعیتی روستاهای استان طی این دوره رو به تخریب بوده است و دورنمای روشن و رو به توسعه‌ای را مانند کلیت جمعیت روستایی کشور به تصویر نمی‌کشد.

نتیجه‌گیری

بررسی‌های آماری درباره استان مرکزی نشان از آن دارد که هر دو وجه انسانی - جمعیتی و محیطی مناطق و جوامع روستایی استان بر اثر مجموعه‌ای از عوامل با آسیب‌های جدی و برگشت‌ناپذیری مواجه شده است. توسعه بدون اشتغال و نبود سیاست‌های حمایتی جدی برای ایجاد فرصت‌های شغلی، نمونه‌هایی از این عوامل هستند که معکوس شدن نسبت و سهم جمعیت روستایی و شهری استان از کل جمعیت طی نیم‌قرن گذشته از جمله چالش‌های جمعیتی پیامد آنهاست؛ چالشی که به تهدیدی جدی برای هویت و ساختار انسانی مناطق روستایی استان منجر شده است. این چالش از دو بعد زوال و کاهش کیفیت و کمیت جمعیت سکونتگاه‌های روستایی استان مطالعه شد. ۹ متغیر تعداد خانوار، جمعیت کل، جمعیت زیر ۱۴ سال، جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال، جمعیت بالای ۶۵ سال، جمعیت ۶ ساله و بیشتر، جمعیت باسواد، جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر و جمعیت شاغل و براساس آنها، ۸ شاخص بعد خانوار، شاخص

سعیدی، عباس، (۱۳۷۹)، مبانی جغرافیای روستایی، چاپ سوم، تهران، سمت.

شارون، جی، (۱۳۷۹)، ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ هفدهم، تهران، نشر نی.

طاهری، جعفر، (۱۳۹۲)، بازاندیشی مفهوم سکونت در معماری، معماری ایرانی، دوره ۲، شماره ۴، ۲۲-۵.

قاسمی، وحید، (۱۳۸۹)، مدل‌سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد Amos Graphics، چاپ اول، تهران، نشر جامعه‌شناسان.

کاوینانی‌راد، مراد، عزیزی کاوه، علی، (۱۳۹۰)، نقش هویت مکانی در بروز کنش سیاسی؛ مطالعه موردی: میدان و خیابان انقلاب شهر تهران، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۱۷، شماره ۲۰، ۱۵۱-۱۶۷.

محرمی، توحید، (۱۳۸۳)، هویت ایرانی - اسلامی ما در هویت ایران، چاپ اول، تهران، نشر جهاد دانشگاهی.

محمدی یگانه، بهروز، چراغی، مهدی، درویش‌وند، سکینه، (۱۳۹۴)، تحلیل عوامل مؤثر در تحولات الگوی مسکن روستایی با تأکید بر هویت، مسکن و محیط روستا، دوره ۳۴، شماره ۱۴۹، ۹۱-۱۰۲.

Burholt, V., Dobbs, C., (2012). **Research on Rural Ageing: Where Have we Got to and Where are we Going in Europe?**, Journal of Rural Studies, Vol 28, Pp 432-446.

AMOS 18)، چاپ اول، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

درگاه ملی آمار ایران، (۱۳۹۷)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، <https://www.amar.org.ir>.

رامشت، محمدحسین، محمودی، طیبه، انتظاری، مژگان، ولی، عباسعلی، ربانی، علی، (۱۳۹۵)، هویت مکانی و نقش آن در تبلور هسته مدنی ایران، پژوهش‌های ژئومورفولوژی کمی، دوره ۴، شماره ۴، ۵۶-۷۱.

راهب، غزال، (۱۳۸۶)، درنگی در مفهوم روستا، محیط‌شناسی، دوره ۳۳، شماره ۴۱، ۱۰۵-۱۱۶.

رضوانی، محمدرضا، (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، چاپ سوم، تهران، قومس.

رضوانی، محمدرضا، صادق‌لو، طاهره، سجاسی قیداری، حمدالله، (۱۳۹۰)، سنجش درجه روستاگرایی با استفاده از مدل تاپسیس فازی، پژوهش‌های روستایی، دوره ۲، شماره ۱، ۱-۳۱.

رمضانیان، محمد، (۱۳۸۰)، سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی ایران؛ دلایل و پیامدها، اقتصاد کشاورزی و توسعه، دوره ۹، شماره ۳۶، ۲۰۷-۲۳۵.

زنجان، حبیب‌الله، (۱۳۸۹)، عوامل کلیدی در توسعه روستایی از دیدگاه جمعیت‌شناختی، روستا و توسعه، دوره ۱۳، شماره ۴، ۱-۲۶.

سالنامه آماری استان مرکزی، (۱۳۹۴)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان مرکزی.

- Reservoir Area in Chongqing, China**, Journal of Habitat International, Vol 51, Pp 124-132.
- Rijnks, R., Strijker, D., (2013). **Spatial Effects on the Image and Identity of a Rural Area**, Journal of Environmental Psychology, Vol 36, Pp 103-111.
- Riola, R., Cantalejo, C., (2005). **Rurality Index for Small Areas in Spain**, Journal of Social Indicators Research, Vol 73, Pp 247-266.
- Rousseau, N., (1995). **What is Rurality?**, Chapter 1, Pp 1-4.
- Torre, A., & Wallet, F., (2016). **Regional Development in Rural Areas; Analytical Tools and Public Policies**, Retrieved from: <http://www.springer.com/in/book/9783319023717>, Chapter 1: Pp 1-2.
- UN, (2007). **Rural Households' livelihood and Well-Being**, Statistics on Rural Development and Agriculture Household Income, 143 P.
- Guastella, G., Pareglio, S., (2016). **Sustainable Development of Rural Areas: Using Urban Patterns to Map the Agricultural Systems**, Journal of Agriculture and Agricultural Science Procedia, Vol 8, Pp 88-98.
- Haynes, R., (1991). **Inequalities in Health and Health Service, use Evidence from the General Household Survey**, Journal of Social Science and Medicine, Vol 36, Pp 1-8.
- Hoggart, K., (1988). **Not a Definition of Rural**, Journal of Area, Vol 20 (1), Pp 35-40.
- Paquette, S., Domon, G., (2003). **Changing Ruralities, Changing landscapes: Exploring Social Recomposition Using a Multi-Scale Approach**, Journal of Rural Studies, Vol 19, Pp 425-444.
- Peng, L., Liu, S., and Sun, L., (2016). **Spatial-Temporal Changes of Rurality Driven by Urbanization and Industrialization: a Case Study of the Three Gorges**

